

پیام مسئول شورای ملی مقاومت
تحریم قاطع خبرگان ارتجاع - نه! به رژیم آخوندی در تمامیت آن
از جانب اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران

هموطنان عزیز،

شکست نمایش انتخابات خبرگان ارتجاع و تحریم گسترده و سراسری آن، یکبار دیگر انزوای مطلق دیکتاتوری نامشروع مذهبی را در میان مردم ایران به اثبات رساند. این يك "نه" قاطع دیگر به رژیم آخوندی در تمامیت آن از جانب اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران بود. آنقدر که اصحاب جبهه داخلی و بین المللی حفظ و استحاله رژیم، بالکل از رو رفتند و ناگزیر به رقم سازی و تقلب کلان از جانب آخوندها و همچنین به تحریم گسترده از جانب مردم اعتراف کردند. وخامت اوضاع و مخصوصاً آبروباختگی آخوند خاتمی جایی برای هیاهو و جنجال تبلیغاتی پیشین باقی نگذاشت. حباب های توهم و "تغییر" یکی پس از دیگری ترکید و مدعیان را سرخورده و سرافکنده برجای گذاشت. این است پاسخ کوبنده ملت به فراخوان های سران سه گانه رژیم برای شرکت در شعبده غصب حق حاکمیت مردم و به همه حامیان و مشاطه گران رژیم آخوندی که مانند آخوند خاتمی برای مقابله با مقاومت ایران و خطری که از "بیرون نظام" آن را تهدید میکند، "مشارکت و تنوع در درون نظام" را تبلیغ میکردند. آری، تحریم گسترده سراسری، بروز اراده ستایش انگیز ملی مبنی بر نفی تمامیت رژیم آخوندی و حاکی از حقانیت، ضرورت و حتمیت سرنگونی این رژیم می باشد و پیام آن انتخاب راه حل دمکراتیک-انقلابی و تنها جایگزین مردم سالار در برابر حاکمیت آخوندی است.

نکات شایان توجه درباره نمایش انتخاباتی و پیامدهای آن را به استحضار می رسانم:

۱. ارقام اعلام شده رسمی و دروغ ها و تناقضات پر فضحیت در مورد جمعیت کشور و تعداد شرکت کنندگان، قبل از هر چیز رسوا کننده آمار و ارقام مربوط به انتخاب آخوند خاتمی است و به روشنی صحت آمار و ارزیابی ها و مواضع مقاومت ایران را در فردای ۲ خرداد ۷۶ اثبات میکند. اینبار هم سردمداران رژیم برای حفظ "آبروی نظام" آمار شرکت کنندگان را، درست مثل زمان انتخاب خاتمی، « ۴ الی ۵ برابر » افزایش دادند.

آخوندها در محافل درونی خود از این اقدامات به عنوان «تقلب شرعی برای حفظ نظام» صحبت می کنند.

رقم اعلام شده رژیم برای کل کشور ۱۷ میلیون و ۸۴۷ هزار و ۵۰۵ (با احتساب آرای باطله و سفید) است، حال آن که گزارشها و آمار و ارقام و ارزیابی ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور که حاصل مشاهدات عینی و گزارشهای درونی از ۴ هزار حوزه در تهران و ۲۰۰ شهر دیگر و همچنین مبتنی بر گزارشهای رسیده از درون رژیم است، نشان می دهد که شمار شرکت کنندگان حداکثر ۴ میلیون نفر است که کمتر از ۱۰ درصد دارندگان حق رأی می باشد. به این ترتیب ضریب افزایش ارقام دقیقاً همان ضریب توافق شده بین سران رژیم در ۲ خرداد یعنی « ۴ الی ۵ برابر » است که از سوی مقاومت افشاشد. حقیقت این است که این ۴ میلیون رأی دهنده را هم هرگز نباید به حساب طرفداران رژیم گذاشت. زیرا نزدیک به نیمی از آنان در اثر تهدیدها و اعمال فشار و یا از ترس قطع رزق و روزی، ناگزیر از شرکت شده اند. یعنی که آراء واقعی رژیم کمتر از ۵ درصد است.

خالی بودن حوزه های انتخاباتی به حدی بود که تلویزیون رژیم به رغم تدابیر قبلی بجز یکی دو مورد نتوانست صحنه ای از صفوف طولانی رأی دهندگان، حتی در نقاط پر جمعیت مرکز تهران، نشان بدهد. صحنه هایی که تلویزیون های خارجی، از جمله سی ان ان و بی بی سی مخابره کردند، مؤید همین واقعیت است.

خبرگزاری فرانسه از تهران با تأکید بر اینکه "شرکت رأی دهندگان حقیرانه بود" گزارش کرد «شورای نگهبان اظهار داشت که تعداد شرکت کننده بسیار زیاد بوده است. ولی یکی از مسئولین شعبه ها در شهر شهریار که نخواست نامش فاش شود گفت: با وجود این که رأی دهندگان بطور عادی حضور می یافتند، ولی تعداد آنقدر نبود که صفی تشکیل شود».

خبرنگار آسوشیتدپرس در پایان انتخابات از تهران خبر داد «رسانه های رسمی ایران صحبت از شرکت گسترده مردم در انتخابات مجلس خبرگان کردند، اما بسیاری از حوزه های رأی گیری در تهران تقریباً خالی بودند... رادیو دولتی تهران گزارش کرد يك سطح "بی سابقه و منحصر به فرد" از شرکت مردم در انتخابات وجود داشته است. این رادیو گفت صفهای طولانی رأی دهندگان در حوزه های سراسر کشور مشاهده شده است و انتظار می رود مأموران انتخاباتی با کمبود برگه های رأی گیری روبرو شوند. اما خبرنگارانی که از دهها حوزه رأی گیری در پایتخت بازدید کردند، گفتند شرکت مردم در حداقل بوده است.

اگرچه قرار بود انتخابات مخفی باشد، اما اطاقکهای رأی گیری خصوصی نبودند و به آسانی امکان دیدن رأی افراد وجود داشت. يك ناظر انتخاباتی در غرب تهران گفت: بسیاری از رأی دهندگان برگه های سفید در صندوقها ریختند...».

همین خبرگزاری در گزارش دیگری درباره نتایج انتخابات از قول خبرنگار خود در تهران می گوید «روز جمعه رسانه های رسمی صحبت از شرکت "بیسابقه" رأی دهندگان کردند. کمیته انتخابات گفت میزان بیسابقه ۶۴/۳۵ درصد از واجدین شرایط در استان گلستان شرکت کردند. ساکنینی که تلفنی با آنها در استان گلستان تماس گرفته شد، این ارقام را رد کردند. پروین که فقط حاضر بود نام کوچک خود را بدهد گفت "حوزه های رأی گیری خالی بودند. چگونه این برگه های رأی گیری در آنجا ظاهر شدند را نمی دانم". پروین گفت از بسیاری از حوزه های رأی گیری دیدن کرده و افراد بسیار کمی را در آنجا دیده است. خبرنگاران آسوشیتدپرس که از حوزه های تهران دیدن کردند نیز خالی بودن آنها را مشاهده نمودند.» همچنین رویتر گزارش کرد "فعالیت در بعدازظهر روز جمعه بیشتر از قبل ازظهر نبود و بسیار از حوزه های رأی گیری تقریباً خالی بودند. در مسجد امیرالمؤمنین تعداد خبرنگاران و کارمندان حوزه بیشتر از رأی دهندگان بود. در دیگر جاها شواهد کمی از شرکت وسیع جوانان و زنان دیده میشد". این خبرگزاری در گزارش دیگری می افزاید "هیئت حاکمه با کمک رادیو و تلویزیون مردم را با دعوت برای شرکت در انتخابات بمباران کردند تا به این وسیله تردیدی در غرب در مورد اعتبار دمکراتیک حکومت باقی نماند... اما يك فروشنده عینکهای دودی در يك کیوسک در مرکز تهران در خیابان جمهوری اسلامی به رویتر گفت "فکر میکنید کسی واقعاً در این انتخابات شرکت خواهد کرد؟ چرا باید شرکت کنیم؟" تلویزیون بی بی سی جهانی روز بعد از انتخابات گزارش داد "گزارشها از تهران حاکی است که در انتخابات عمومی ایران تعداد رأی دهنده کم بود. این عدم رغبت به رأی دادن به رغم تقاضای خاتمی و خامنه ای برای شرکت در این انتخابات بود".

۲ - بنا بر جزوات منتشر شده از جانب مرکز آمار ایران در سالهای گذشته و با محاسبه رشد معمول جمعیت در سالهای اخیر، جمعیت کنونی کشور بیش از ۷۲ میلیون و دارندگان حق رأی بیش از ۴۰ میلیون نفر هستند.

اما وزارت کشور رژیم در خرداد سال ۷۶، جمعیت ایران را حدود ۶۰ میلیون و دارندگان حق رأی را ۳۳ میلیون نفر اعلام کرد. یکسال و نیم بعد در آستانه انتخابات خبرگان، وزارت کشور جمعیت کنونی ایران را پس از کسر اتباع خارجی مقیم ایران، ۶۰،۶۷۱،۵۲۹ نفر و دارندگان حق رأی را بیش از ۲۸،۵ میلیون نفر اعلام نمود.

حیرت آور اینکه در سال ۷۲ و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، وزیر کشور رژیم جمعیت کشور را ۶۲ میلیون نفر اعلام کرده بود.

معلوم نیست در عرض ۵/۵ سال (اردیبهشت ۷۲ تا آبان ۷۷) چگونه ۱/۵ میلیون نفر از جمعیت ایران کاسته شده و در عرض ۱/۵ سال (خرداد ۷۶ تا آبان ۷۷) چگونه ۵،۵ میلیون به تعداد دارندگان حق رأی اضافه شده است!

۳. انتخابات خبرگان ارتجاع درشرایطی با تحریم سراسری مردم ایران مواجه شد که در هفته های گذشته تمامی سردمداران رژیم از خامنه ای، رفسنجانی و خاتمی گرفته تا رئیس قوه قضاییه و رییس مجلس آخوندی، وزرای کابینه و استانداران، ائمه جمعه و... در سخنرانی ها و مصاحبه های متعدد بر ضرورت شرکت در انتخابات تاکید کردند. علاوه براین، به توصیه خامنه ای، يك دوجین از آخوندهای حکومتی تحت عنوان «آیات و مراجع عظام» به صحنه آمده و شرکت در انتخابات را «وظیفه شرعی»، «واجب

عینی» و «واجب واجبات» توصیف کردند و مردم را «مکلف» به شرکت در آن نمودند. در همین فاصله، رادیو، تلویزیون و مطبوعات رژیم اکثر برنامه‌ها، گزارشها و مقالات خود را به این موضوع اختصاص داده و در یک بسیج تبلیغاتی گسترده که در هیچیک از نمایشهای انتخاباتی گذشته سابقه نداشت، مردم را به شرکت در انتخابات فرامیخواندند.

بسیج اجباری دانش آموزان، ارتش، سپاه پاسداران و کارمندان دولت، همچنانکه اعمال فشار و تهدید اقشار مختلف مردم، بخش دیگری از تلاشهای رژیم برای کشاندن شمار بیشتری به پای صندوق های رأی بود.

۴- سردمداران رژیم بارها با اشاره به فراخوان تحریم مقاومت، از باندها و جناح های مختلف خواستند، اختلافهای خود را کنار بگذارند و یکپارچه در انتخابات شرکت کنند.

خامنه ای هشدار داد: «همه بایستی این آزمایش الهی را انجام بدهند. اونچه مهم است این است که دشمن ماهه‌است برنامه ریزی می کند برای اینکه مردم پای این صندوقها حاضر نشوند... ملت ایران بایستی نقطه مقابل اون عمل بکنه یعنی حضور خود را روز به روز پررنگ تر و قویتر کند».

رفسنجانی ضمن تاکید بر ضرورت شرکت در انتخابات گفت: «هدف دشمن فرد یا افراد نیست، بلکه آسیب زدن به عمود خیمه انقلاب و نظام اسلامی متکی به ولایت فقیه است... باید در برابر تحلیلها و سخنها و مواضع دشمنان که برخی مسائل خود را با زبان خودیها مطرح می کنند، هوشیار باشیم».

ناطق نوری، رئیس مجلس رژیم، تصریح کرد: «حضور گسترده و پرشور مردم در انتخابات خبرگان، تضمین کننده بقای نظام جمهوری اسلامی و تأمین کننده منافع و امنیت ملی است. تعداد شرکت کنندگان در پای صندوقهای رأی در انتخابات خبرگان بسیار مهم است و حضور گسترده مردم، تبلیغات سؤدشمنان علیه نظام را خنثی می کند».

آخوند یزدی، رئیس قوه قضاییه رژیم، در نماز جمعه تهران گفت: «انتخابات (خبرگان)، انتخاب مهمی است و در مسئله بسیار مهمی مردم باید شرکت داشته باشند، بنابراین هر چه بیشتر شرکت کنند طبعاً ارزش بیشتری دارد و دشمن هم قطعاً وقتی ببیند مردم بیشتر شرکت کرده اند، مأیوس تر خواهد شد».

آخوند امینی، نایب رئیس مجلس خبرگان، گفت: «همان دشمنانی که به هنگام تدوین قانون اساسی مخالف ولایت فقیه و اسلامیت نظام بودند، امروز در صحنه حاضر شدند و منافقین و دشمنان داخلی... برای مبارزه با اسلامیت نظام دست به دست هم داده اند و آنها تبلیغ می کنند و به خودشان وعده می دهند که مردم کمتر در انتخابات خبرگان شرکت می کنند»

ارگان باند غالب رژیم طی سرمقاله ای با عنوان «گناه کبیره» نوشت: «اولین گروهی که انتخابات سومین دوره خبرگان رهبری را تحریم کردند، منافقین بودند» (رسالت ۲۲ مهر).

۵- خاتمی و شرکا نیز علیرغم حذف کاندیداهایشان توسط شورای نگهبان، از آنجا که موجودیت خود را در گرو بقای «ولایت فقیه» و استمرار حاکمیت مذهبی می دیدند، به این بسیج تبلیغاتی پیوستند.

آخوند خاتمی گفت: «نامزدهای محترمی که الان در عرصه هستند همگی محترم و شریفند... حضور مردم در عرصه سرنوشت بسیار تعیین کننده است... و خدای ناکرده ناموفق بودن ما و ناکامی ما در این عرصه لطمه های بزرگی به آرمانهای انقلاب به وضعیت خود ما خواهد زد» (تلویزیون رژیم، ۲۵ مهر ۷۷)

کرباسچی، شهردار «معلق» تهران که چندی پیش به جرم «اختلاس» و «دزدی» به ۵ سال زندان و شلاق و انفصال از خدمت دولتی محکوم شده بود و طرفداران خامنه ای علیه وی شعار می دادند «غار تگر بیت المال اعدام باید گردد»، تحت عنوان «دبیر کل حزب کارگزاران»، با شرکت در «شو» های

مستمر تلویزیونی و مسافرت به شهرهای مختلف و تبلیغ برای شرکت در انتخابات به یک چهره «خدمتگزار انقلاب و رهبری» تبدیل شد. وی در یکی از سخنرانی های خود گفت «اعتراض این نیست که پای صندوقها را خالی بگذارید و انتخابات را رها کنید».

۶- حکومت آخوندی بیش از ۳۰۰ هزار تن از نیروهای انتظامی، پاسداران، بسیجیان، پاسداران و عوامل وزارت اطلاعات را برای حفظ امنیت و کنترل حوزه های انتخابات به کار گرفت. در بسیاری از حوزه های رأی گیری، تعداد رأی دهندگان کمتر از پاسداران و نیروهای سرکوبگر بودند.

۷- اعضای خبرگان سوم، همچون خبرگان قبلی، در زمره بالاترین مقام ها و مسئولان رژیم و غاصبان

حق حاکمیت مردم ایران هستند. حرفه شناخته شده این جنایتکاران که شمار زیادی از حکام شرع خمینی و دادستانهای ضد انقلاب و سه وزیر اطلاعات را هم شامل میشود، چیزی جز قتل عام، شکنجه، کشتار و اعدام نیم میلیون تن از فرزندان آزاده مردم ایران، ترور مخالفان و فعالان مقاومت در خارج و صدور تروریسم و ارتجاع نبوده و نیست. شمه یی از مواضع و سوابق برخی از آنها به قرار زیر است:

رفسنجانی در خصوص شکنجه و اعدام مجاهدین گفته بود: «قانون الهی چهار مجازات را در باره آنها (مجاهدین) تعیین کرده است: ۱. آنها را بکشید، ۲. آنها را دار بزنید، ۳. دست و پایشان را قطع کنید، ۴. تبعیدشان کنید. اگر ما بعد از انقلاب ۲۰۰ نفر از آنها را دستگیر و اعدام کرده بودیم، آنها آنقدر زیاد نمی شدند. .. من تکرار می کنم که بر اساس قوانین قرآن، ما مصمم هستیم که همه مجاهدین مسلح را که با اسلام دشمنی می کنند، نابود کنیم». (اطلاعات، ۸ آبان ۱۳۶۰)

در بهار سال ۷۶ یک دادگاه فدرال آلمان، رفسنجانی و فلاحیان را به همراه خامنه ای و ولایتی به عنوان مسئولان و آمران ترور مخالفان در خارج محکوم کرد و دستور جلب فلاحیان را صادر نمود.

آخوند محمد محمدی گیلانی یک عضو دیگر این مجلس بارها تأکید کرده است: «ما باید مجاهدین را تعزیر کنیم تا آنها به ما بگویند آنها تسلیحات خود را کجا پنهان کرده اند. بر طبق اسلام، اگر آنها زیر شکنجه بمیرند، هیچ کس مورد موأخذه قرار نمی گیرد. این فتوای دقیق امام است». (اطلاعات، ۸ آبان ۱۳۶۰).

قساوت و درنده خویی این آخوند پلید تا به آنجاست که شخصاً حکم اعدام دو تن از فرزندان مجاهدش را صادر کرد.

محمد یزدی، که نزدیک به یک دهه در موضع رئیس قوه قضاییه مسئولیت هزاران اعدام را به عهده دارد، در رابطه با کشتار مجاهدین می گوید: «حکم قضایی دست نویس امام مجاهدین را در تمامیت سازمانی شان و نه فقط به عنوان افراد محکوم (به مرگ) کرده است تا تردیدی در محارب و مفسد فی الارض خواندن فعالیت های آنان و (اعدامشان) باقی نماند». (۱۰ خرداد ۱۳۶۹)

آخوند ریشهری، وزیر سابق اطلاعات، یکی از اعضای هیأتی بود که دستور خمینی مبنی بر اعدام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ را اجرا نمود که طی آن ۳۰ هزار زندانی سیاسی قتل عام شدند. علاوه بر این وی در پست رییس دادگاه ویژه روحانیت، طی سالیان گذشته بیشترین جنایات را در حق روحانیون و طلاب مخالف مرتکب شده است.

۸- در آستانه انتخابات خبرگان، رفسنجانی با احساس نگرانی شدید از وخامت اوضاع، در روز ۱۲ مهر به صحنه آمد و مجلس خبرگان را «محوری ترین نهاد» رژیم و ولایت فقیه را «عمود خیمه نظام» توصیف کرد و حمایت تمام عیارش را از خامنه ای و شورای نگهبان در حذف کاندیداهای جناح رقیب اعلام نمود. این اظهارات، به دنبال ملاقات اعلام نشده رفسنجانی با خامنه ای صورت گرفت. خامنه ای در این ملاقات از رفسنجانی خواسته بود مثل همه مقاطع بحرانی برای نجات نظام اقدام کند.

ولی فقیه با کنار آمدن با رفسنجانی کاندیداهای باند خاتمی را بی محابا حذف و درو کرد. جبهه سیاسی پشتیبان خاتمی متلاشی گردید و استحاله ناپذیری رژیم آخوندی مهر شد.

موقعیت رفسنجانی بعنوان وزنه تعادل درونی رژیم و شریک بالفعل ولی فقیه تثبیت و سه سرگی رژیم زهر خورده عیان گردید.

همچنان که در اطلاعیه ۱۶ مهر ماه گذشته درباره مواضع رفسنجانی و حمایتش از خامنه ای به اطلاع رساندم "اگر نقشه آنها بر هم نخورد، رفسنجانی شخصاً می باید ریاست خبرگان ارتجاع را بدست بگیرد و بعنوان شماره ۲ رژیم روی دست آخوند خاتمی تثبیت گردد.

۹- انتخابات خبرگان ارتجاع یک بار دیگر پوشالی بودن دعاوی آخوند خاتمی مبنی بر «حکومت قانون» و «جامعه مدنی» را به نمایش گذاشت و نشان داد که دعوای او با خامنه ای بر سر تصاحب و تقسیم کرسی های مجلس غصب حاکمیت ملت است و نه بر سر اصل حق حاکمیت مردم که موضوع دعوای اساسی بین مقاومت ایران و همه دار و دسته های رژیم آخوندی است.

فراخوان خاتمی برای شرکت در خیمه شب بازی خبرگان و حمایت بی چون و چرا از ولایت فقیه به مثابه "اراده برتر" با "اختیارات فراوان" و "مورد امضاء خدا و منتسب به وحی"، همچنانکه رئیس جمهور برگزیده مقاومت اعلام کرد، حاکی از «مواضع بغایت فاشیستی و ارتجاعی آخوند خاتمی و ... اهانت به ملت ایران و آیین اسلام است».

به این ترتیب خاتمی با سرفرود آوردن در برابر فاشیسم مذهبی رسوا و لجن مال شد. از این پس نیز خاتمی یا باید مطیع و منقاد خامنه ای شود و شکک های اصلاح طلبانه را کنار بگذارد و یا نقش رأس اپوزیسیون درونی رژیم را ایفا کند اما در هر حال تک و پاتک های آینده حامل بحران ها و طوفانهای جدیدی است که به سرنگونی رژیم راه می برد.

۱۰- واقعیت این است که در ایران امروز هر اصلاح طلب واقعی برای پیش بردن خطوط اصلاح طلبانه می باید خواه ناخواه به مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران تکیه کند. والا باز هم خواه ناخواه نقطه اتکایی جز همین رژیم ولایت فقیه نمی یابد. در میان تھی بودن دعای آخوند خاتمی همین بس که از روز اول در دشمنی با مقاومت عادلانه مردم ایران و در وحدت با ولی فقیه به میدان آمده و بقول خودش میخواهد "معاند نظام" را به "مخالف قانونمدار" و "مخالف قانونمدار" را به "موافق نظام" تبدیل کند! درست به همین دلیل جز خواری و خفت و لجن مال شدن چیزی در تقدیر ندارد. این است سرنوشت "گوساله خمینی" به همان سیاق "گوساله سامری"...

پس ننگ بر سیاسیون ریزشی و اخراجی رژیم و تف بر همه ارادل و اوباش سیاسی که بر ضد حاکمیت مردم ایران در زیر علم استحاله و حفظ رژیم خون آشام آخوندی با آخوند خاتمی بیعت کردند و حتی به ردیلانه ترین صورت کوشیدند که این آخوند جنایتکار و حرام لقمه را در جایگاهی مانند پیشوای نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق بنشانند. بگذارید در برابر تاریخ و مردم ایران تصریح کنیم که خیانت اینان به ملت ایران و آزادی و حق حاکمیت این ملت فراموشی ناپذیر است. مخدوش کردن مرزهای بین مردم ایران با گفتاران عمامه دار که با رود خروشان خون شهیدان ترسیم شده است، نابخشودنی است. تکرار میکنم: نابخشودنی است.

۱۱- خامنه ای در شب مرگ خمینی به خاطر ترس خبرگان ارتجاع از حمله ارتش آزادیبخش يك شبه ولی فقیه شد. موسوی اردبیلی گفت که آن روز "دوستان می ترسیدند و می لرزیدند". چنین بود که خامنه ای در جایگاهی بسیار بالاتر از خودش قرار گرفت و حالا برای حفظ آن موقعیت یا باید بجنگد و یا باید بخشها یا تمامی آن را به امثال رفسنجانی و استحاله طلبان درون رژیم واگذار کند. مخصوصا که حذف قانونی یا غیرقانونی خاتمی در تعادل قوای کنونی نمی صرفد و بالمآل بر سر خودش خراب می شود.

۱۲- در يك کلام، انتخابات خبرگان ارتجاع، بعنوان بزرگترین زور آزمایی درونی رژیم پس از ۲ خرداد، سرفصل بلوغ تضادهای فزاینده جناحین حاکمیت آخوندی است و آن را در سرایش سرنگونی وارد مرحله جدیدی می کند.

و خوشا مقاومتی که با يك دهه پایداری شگفت انگیز و با مجموعه فعالیتهای نظامی و سیاسی خود، بویژه انتخاب و معرفی يك زن ذیصلاح در مقام رئیس جمهور دوران انتقال "بمتابه بزرگترین ابتکار سیاسی شورا و بعنوان مؤثرترین اقدام استراتژیک در برابر حاکمیت آخوندی"، جام زهر انشعاب و شقه درونی را به حلقوم رژیم آخوندی ریخت و اکنون در "خبرگان" به سر فصل بلوغ این شقه و انشعاب درونی رسیدیم.

این مقاومت در نخستین شقه درونی رژیم (عزل اولین رئیس جمهور خمینی) و همچنین در شقه دوم (عزل جانشین خمینی) برآستی نقش تعیین کننده داشت. سومین، مهمترین و آخرین شقه و انشعاب درونی رژیم نیز از همین مقاومت و رویارویی همه جانبه اش با ارتجاع حاکم نشأت گرفته است. در پیروزی این مقاومت جای تردید نیست.

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت

۷۷/۸/۳